

معماری همساز با اقلیم در نگاهی به ساختمان‌های تئاتر؛ نمونه موردی زاهدان

مهدی امیری^{۱*}، زهره اویسی کیخا^۲

۱- عضو هیات علمی دانشگاه ملی زابل، کارشناسی ارشد کارگردانی تئاتر، art.amiri@uoz.ac.ir

۲- عضو هیات علمی دانشگاه ملی زابل، دکترای تخصصی معماری

چکیده

تئاتر همچون دیگر جنبه‌های هنر انسان، نظیر شعر و ادبیات، نقاشی و هنرهای تجسمی، موسیقی، معماری و نیز همچون سایر مظاهر فرهنگی او نظیر باورهای اخلاقی و اعتقادات مذهبی اش، پدیده‌ای نمادین است و بنابراین معماری منسوب به آن نیز معماری نمادین خواهد بود. هدف از این تحقیق استفاده حداکثری از پتانسیل‌های محیطی در جهت صرفه جویی مصرف انرژی و بالا بردن کیفیت آسایشی در محیط و سالم سازی محیط زیست می باشد. در همین راستا و با در نظر گرفتن زاویه تابش، جهت تابش خورشیدی، جهت وزش بادهای مفید و مضر و توجه به اهمیت سایه ها در تابستان به ارائه دستورالعمل هایی متناسب با شرایط اقلیمی برای شهر پرداخته شده است. طبق نتایج حاصل مناسب ترین جهت استقرار ساختمان تئاتر در این شهر محدوده ای از ۳۵ درجه جنوب غرب تا ۶۰ درجه جنوب شرق به عنوان جهات قابل قبول می باشد. در خصوص جهت یابی صحیح معابر و خیابان ها، جهت شمالی جنوبی الویت نخست و جهت شمال غربی- جنوب شرقی الویت بعدی را داراست که در یک چنین شرایطی حداکثر تطابق را با شرایط اقلیمی دارا خواهد بود.

واژگان کلیدی: شاخص دمای، زاویه تابش، اقلیم شناسی، معماری همساز با اقلیم، تئاتر

۱- مقدمه

نمایش هنگامی در میان توده های مردم رواج می یابد که بتواند خواسته ها و آمال آنان را نقل کند و وقتی اجازه این کار را ندارد، توده مردم نیز گرایشی بدان نشان نمی دهد و حمایت خود را از آن سلب می کند. گزارشان و مورخان نیز در آثار خود اعتنایی به نقل آن نمی کنند. به دلایلی از این دست آثار نمایشی گذشته ما عموماً سینه به سینه، و به عنوان نمایش هایی عامیانه به دوران ما رسیده است. اگر باور کنیم که هیچ جامعه ای بی نیاز از نمایش نیست، در این صورت می توان تصور کرد که این نیاز از طریق انواع آئین های مذهبی، تعزیه، نقالی، نمایش های عروسکی، روحوضی، شاهنامه خوانی، بازی های قهوه خانه ای و انواع ورزش های نمایشی برآورده می شده و نیز گاه به نمایش های خلوت دربارها و خانه های اشراف، توسط گروه های کوچک و گمنام محدود می گردیده است. باید توجه داشت که عدم اطلاع ما از چگونگی و کاربرد همین شکل های نمایشی و عدم اطلاع از اینکه همین نمایش هایی که امروز برچسب عامیانه خورده اند، در پی کدام حقیقت بوده اند، دست و بال ما را در تحلیل تئاترهای موجود ایرانی می بندد. هنگامی که ایران با فرهنگ غربی آشنا شد، قالب های نمایشی موجود در ایران پاسخگوی نیاز های جامعه روشنفکران ایران نبودند.